

## تحریم گر دوره پانزدهم، نقش آیت الله العظمی بروجردی در ختم غائله فرقه دموکرات آذربایجان

طاهری خسروشاهی، محمد

زمانه، شماره ۳۸

تأثیر تحولات سیاسی - اجتماعی روسیه و آسیای میانه بر جریانها و تحولات ایران قابل انکار نیست و به ویژه نقش جنبشهای سوسیالدموکرات حوزه قفقاز در مدرسانای به مشروطه خواهان ایرانی قابل توجه بود. اما به محض اینکه بولشویکها به پیروزی رسیدند و پس از چندصباحی به توسعه نفوذ امپریالیستی خود با ذائقه ای جدید پرداختند، از همکاران، دوستان و طرفداران سوسیالیست خود در کشورهای مختلف برای پیشبرد مقاصد خود سود بردند. از جمله در ایران به فرقه دموکرات آذربایجان همه گونه مساعدت و مشاورت می نمودند. پیوستن اعضای حزب توده به حزب پیشه‌وری، پای آنها را مستحکمتر ساخت اما رهبران مذهبی که اکنون حتی شاهد حضور برخی وزرای توده‌ای در کابینه بودند و آذربایجان را در شرف تجزیه می دیدند، در کنار مبارزه با بهائیت، مبارزه با توده‌ایها را نیز آغاز کردند. به ویژه مخالفت‌های آیت‌الله العظمی بروجردی با فعالیت‌های حزب توده و تحریم انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورا از سوی ایشان به بهانه تحت اشغال بودن آذربایجان، باعث انفعال و پس‌از آن اضمحلال فرقه دموکرات آذربایجان شد و حزب توده را در سراسر ایران به انزوا و شکست کشانید. مرحوم بروجردی به دولت اعلام کرده بود چنانچه در دفع خطر توده‌ایها و دموکراتها از مقدرات کشور و استانهای غربی، اهمال نماید، علیه دولت نیز فتوا خواهد داد. تبیین ارزش مجاهدتهای سیاسی آن مرجع بزرگ دینی، مقاله‌ای مفصل‌تر می‌طلبد اما در اینجا به اجمال به آن اشاره می‌شود.

تاریخ پژوهان و صاحب نظران معاصر، آذر را ماه حادثه در ایران می‌دانند. نگاهی به تقویم ایام، به ویژه در چند دهه گذشته، درستی این سخن را تایید می‌کند.

یکی از این حوادث که ریشه در استعمار داشت، روی کار آمدن فرقه دموکرات آذربایجان و تشکیل حکومت دست‌نشانده شوروی در ایران بود که عنوان فریبنده «حکومت ملی» را با خود یدک می‌کشید. عمر فرقه دموکرات آذربایجان بیش از یکسال به درازا نکشید. این گروه در بیست و یکم آذرماه ۱۳۲۴، ش اعلام موجودیت کرد و درست یکسال بعد، یعنی در بیست و یکم آذر ۱۳۲۵ بساط آن برچیده شد. اینک که در پنجاه و نهمین سالگرد ختم غائله فرقه دموکرات آذربایجان قرار داریم، شایسته است تأملی کوتاه بر چگونگی روی کار آمدن و نیز فروپاشی آن داشته باشیم.

### اشغال آذربایجان توسط بیگانگان

به دنبال آغاز جنگ جهانی دوم، نابسامانیهای اقتصادی و بحرانهای جهانی، شورشهای کارگری، تعطیلی کارخانجات، خرابی مزارع، بیکاری و فقر، سراسر جهان را فراگرفت. در چنین اوضاع و احوالی، بر اثر شکل‌گیری و شیوع جنبشهای کارگری، زمینه برای رواج اندیشه‌های چپ‌گرا در سطح جهان فراهم آمد.

در پی اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ از سوی بیگانگان، نیروهای نظامی شوروی در خاک ایران مستقر شدند. سربازان انگلیس و شوروی از مرز جلفا وارد تبریز و از طریق زنجان - میانه راهی تهران گردیدند. ورود این نیروها با جنایات گسترده‌ای همراه بود. مردم با تفنگهای قدیمی خود در مقابل آنها مقاومت می‌کردند اما سران شوروی دستور قتل‌عام

غیرنظامیان را هم صادر کرده بودند. در این بین عده زیادی از مردم بی‌گناه در خاک و خون غلطیدند که گورستان «قمرتپه» تبریز هم‌اینک جسم این عزیزان را در آغوش خود دارد .

اشغال آذربایجان و بخش‌های مهم دیگری از اراضی میهن توسط نیروهای شوروی، پنج‌سال به‌طول انجامید؛ درحالی‌که طبق توافق سران کشورهای انگلیس، شوروی و آمریکا، نیروهای شوروی تنها به منظور جلوگیری از استفاده آلمان از خاک ایران، کشور ما را - علیرغم اعلام بی‌طرفی - اشغال کرده بودند. به‌رحال متفقین با بهره‌گیری از ایران به‌عنوان «پل پیروزی» بر آلمان پیروز شدند اما در حقیقت، این ایران بود که تاوان پیروزی آنها را می‌پرداخت .

پس از پایان جنگ، نیروهای شوروی نه‌تنها خاک ایران را ترک نکردند، بلکه تلاش گسترده‌ای را برای اشغال دائمی آذربایجان، به‌منظور تجزیه خاک ایران آغاز نمودند. روسها درحقیقت در راستای تداوم سیاست تجاوزگرانه خود که سالها پیش به انعقاد عهدنامه‌های دردسرساز ترکمانچای و گلستان منجر گردیده بود، حاضر به ترک ایران نبودند و می‌خواستند مناطق آذری‌نشین ایران را به خاک شوروی منضم کنند. دره‌مین‌راستا صدها تن از ماموران دستگاه امنیتی شوروی (ک.گ.ب) در منطقه آذربایجان ایران به ترویج ناسیونالیسم قومی و تبلیغات ضدایرانی می‌پرداختند .

### پیشه‌وری و فرقه دموکرات

همزمان با این اقدامات، حزب توده در تبریز تبلیغات وسیعی به‌راه انداخته بود. به‌ویژه گروه معروف به پنجاه‌وسه‌نفر، توانستند جمعیت قابل‌توجهی از هواداران را به دور خود جمع کنند. یکی از این دانش‌آموختگانِ مکتب کمونیسم شوروی در تبریز که به‌تازگی از آن کشور به ایران بازگشته بود، سیدجعفر جوادزاده خلخالی، معروف به میرجعفر پیشه‌وری، بود. وی که به علت اخراج از حزب توده، از راه‌یابی به مجلس چهاردهم شورای ملی بازمانده بود، زیر چتر حمایتی اشغالگران و همفکرهای بی‌دریغ استالین و رفیق شفیقش میرجعفر باقروف، دبیرکل حزب کمونیست جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی، با هدف الحاق آذربایجان ایران به شوروی، در دوازدهم شهریورماه ۱۳۲۴ مرامنامه دوازده‌ماده‌ای فرقه دموکرات آذربایجان را با عنوان «بیزیم شعارلاریمز» «شعارهای ما» منتشر کرد و در بیست‌ویکم آذرماه

همان سال، به‌طوررسمی تشکیل فرقه دموکرات را اعلام نمود. پس از این اعلام، شاخه آذربایجان حزب توده بلافاصله، علیرغم مخالفت توده‌ایهای مرکز، به فرقه دموکرات پیوست. احسان طبری می‌گوید که این الحاق به دستور استالین صورت گرفت .

البته همان‌طور که انتظار می‌رفت، مردم مسلمان آذربایجان به دلیل پایبندی به اسلام و پیروی از مراجع دینی، حکومت این فرقه را نپذیرفتند و در فرصت‌های گوناگون ضرباتی بر پیکره آن وارد ساختند. هرچند سران فرقه با ایجاد واحد امنیتی و پلیسی مخوفی به‌نام آختاریش (تجسس) مخالفان خود را از سر راه برمی‌داشتند و درصدد ایجاد فضای رعب و وحشت در آذربایجان بودند، بااین‌حال رحلت آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی نشان داد که مردم دین‌مدار آذربایجان هنوز بر سر آرمان عقیدتی و مذهبی خود هستند. پس از رحلت این عالم بزرگ، تبریز به حالت تعطیل درآمد و مراسم سوگواری در مساجد مختلف برگزار گردید. وقتی گزارش برگزاری شکوهمند مراسم ترحیم مرجع بزرگ تقلید، روی میز کار استالین قرار گرفت، وی خشمناک به مریدش پیشه‌وری گفت: «من فکر می‌کردم در اثر تبلیغات شما، تبریزیها همه

کمونیست شده‌اند. در میان مردمی که این‌گونه به‌خاطر مرگ یک روحانی عزاداری می‌کنند، نمی‌توان حکومت کمونیستی ایجاد کرد.»

### نقش آیت‌الله بروجردی در سقوط فرقه آذربایجان

در این میان باید از نقش برجسته آیت‌الله‌العظمی بروجردی در نابودی فرقه دموکرات سخن گفت. متأسفانه تاکنون آن‌گونه که لازم بوده، به این مساله پرداخته نشده‌است. چه‌بسا فهم نادرست عده‌ای موجب شده‌است که این مرجع عالیقدر جهان تشیع به‌عنوان شخصیتی منفعل و غیرسیاسی شناخته شود، اما خوب است بدانیم حداقل درباره فرقه دموکرات آذربایجان اگر دخالت صریح آیت‌الله بروجردی نبود، این فرقه در معرض سقوط قرار نمی‌گرفت.

جریان از این قرار است که به هنگام برگزاری انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، احزاب شوروی‌گرا توانسته بودند فعالیت خود را گسترش دهند. این افراد که در پی تسلط یافتن بر مجلس نیز بودند، تبلیغات وسیعی برای جذب آرای مردم به‌راه انداختند. در این میان، آیت‌الله بروجردی وارد صحنه شد و تهدید کرد که نه تنها انتخابات را تحریم خواهد کرد، بلکه علیه دولت نیز فتوا خواهد داد. آیت‌الله بروجردی اعلام کرد: «در آذربایجان که تحت اشغال بیگانه‌گرایان و کمونیست‌های ضد‌دین است، انتخابات نباید انجام شود.»

در کتاب خاطرات دکتر مهدی حائری‌یزدی - که چندی پیش منتشر شد - آمده‌است: «در مساله آذربایجان، قوام‌السلطنه به ایشان [آیت‌الله بروجردی] پیغام داد که الان چون در کار انتخابات آذربایجان مساله هست، و به‌علاوه ما با روسیه راجع به نفت شمال قرارداد بستیم که آن قرارداد را به مجلس پانزدهم برای تصویب ببریم، [و] بدون شرکت آذربایجان، انتخابات نباید در سایر استان‌های ایران برگزار بشود، احتیاج هست به این‌که شما [آیت‌الله بروجردی] انتخابات را تحریم نکنید... این یعنی آذربایجان در اشغال است...» حائری‌یزدی در ادامه می‌نویسد: «آیت‌الله بروجردی همان‌طور که بهاییها را مخلّ امنیت و استقلال ایران می‌دانست، توده‌ایها را هم می‌دانست و به‌همان‌نحوی که با بهاییها مبارزه می‌کرد، با توده‌ایها هم [مبارزه می‌کرد].»

آیت‌الله بروجردی نمایندگانی به شهرهای سراسر ایران اعزام کرد تا فتوای تحریم انتخابات را اعلام کنند. نمایندگان مذکور، علاوه بر انجام این ماموریت، در دیدار با مردم شهرهای مختلف، آنها را نسبت به اهمیت مساله آذربایجان آگاه می‌کردند. این اقدام موجب شد در سراسر کشور جبهه واحدی برای رهایی آذربایجان از چنگال فرقه دموکرات تشکیل شود.

تحریم انتخابات مجلس پانزدهم از سوی آیت‌الله بروجردی به بهانه تحت‌اشغال بودن آذربایجان، حکومت پیشه‌وری را متزلزل ساخت و زمینه قیام مردم تبریز علیه حکومت ملی آذربایجان! را فراهم کرد.

### سقوط فرقه دموکرات به دست مردم تبریز

با تشدید فعالیت فرقه و ناراضی‌های عمومی در آذربایجان، حکومت مرکزی ایران طی چند یادداشت به شوروی در خصوص حمایت این کشور از فرقه‌چیه‌ها تذکر داد، اما شوروی اعتنایی نکرد و ایران به‌ناچار دست به دامن امریکا شد. اما

ایالات متحده آمریکا در پاسخ به استمداد پهلوی گفته بود: «دولت آمریکا حاضر به مخاصمه با شوروی نیست و افکار عمومی مردم آمریکا از جنگ با شوروی گریزان است.»

بحث بر سر مساله آذربایجان و پیشنهاد حمله ارتش مرکز به این منطقه، دکتر مصدق را بر آن داشت تا در مجلس چهاردهم بگوید: «فرقه دموکرات غیرقانونی است... با مردم آذربایجان که از موسسین مشروطیت هستند و در وطن پرستی شان تردیدی نیست، نباید جنگ کرد.»

بالاخره قوام السلطنه فردی به نام ایبکچیان را برای ملاقات با پیشه‌وری فرستاد و او را برای مذاکره به تهران فراخواند. پیشه‌وری در فرودگاه تبریز، پیش از سفر به تهران به خبرنگاران گفت: «شرایط بین‌المللی مانع است که ما تهران را فتح کنیم، وگرنه فتح تهران صورت گرفته بود.»

سیدجعفر پیشه‌وری با قوام به توافق نرسید اما قوام با شوروی به مذاکره نشست و به توافقاتی - از جمله امتیاز نفت شمال - رسیدند. با مذاکرات موفق شوروی و ایران، استالین در نامه‌ای به پیشه‌وری نوشت: «باید با قوام سازش کنی.» پیشه‌وری با خواندن این نامه عصبانی شده و گفته بود: «ما را به آسمان بردید، سپس پرت و رسوا کردید.»

با کاهش حمایت شوروی از فرقه و نیز ایجاد اختلافات داخلی در میان سران حکومت - به ویژه میان پیشه‌وری و محمد بی‌ریا (وزیر فرهنگ کابینه فرقه) - زمینه‌های فروپاشی حکومت ملی آذربایجان! مهیا گردید. رزم‌آرا نقشه حمله به خاک آذربایجان را برای فروپاشی فرقه تهیه کرد اما مردم تبریز پیش از رسیدن نیروهای ارتش مرکز، به پاخاستند و طومار فرقه دموکرات آذربایجان را در بیست و یکم آذرماه ۱۳۲۵ درهم پیچیدند.

پیشه‌وری و دوستانش که به مدت یک سال بود همواره از «نفوذ ایدئولوژی مارکسیستی در جامعه مذهبی تبریز» سخن می‌گفتند، با مشاهده عزم راسخ مردم تبریز، به آغوش استالین پناه بردند و از تبریز فرار کردند. جالب اینکه پیشه‌وری چندسال بعد در یک سانحه ساختگی رانندگی در باکو جان سپرد. پس از او، تلاش‌های نه‌چندان منسجم غلام یحیی دانشیان برای «احیای فرقه دموکرات در باکو» نافرجام ماند و این‌گونه بود که بار دیگر توطئه تجزیه خاک ایران خنثی گردید. سخن را با جمله‌ای کوتاه از سیدمسعود پیمان، روزنامه‌نگار پیشکسوت تبریزی، به پایان می‌بریم: «اگر حوادث سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ خطه آذربایجان را نقطه عطفی در تاریخ سیاسی دنیا بدانیم، سخنی به گراف نگفته‌ایم؛ چراکه در آن سالها و در این منطقه از جهان بود که برای نخستین بار آمریکا به ارزیابی قدرت و کارایی حریف خود پرداخت و درصد برآمد تا به اصطلاح دندانهای خرس قطبی را بشمارد!»

## منابع

- 1- حمید ملازاده، تبریز از شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی، تبریز، انتشارات ارک، ۱۳۷۳
- 2- عبدالصمد پورنظمی، فرقه دموکرات آذربایجان، تهران، موسسه پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲
- 3- جلال محمدی، «نقش آیت‌الله بروجردی در آزادی آذربایجان از اشغال بیگانه‌گرایان»، نشریه میثاق، سال هفتم، شماره ۱۷۵

4\_ حمید ملازاده، رازهای سر به مهر، با مقدمه سیدمسعود پیمان، انتشارات مهد آزادی، ۱۳۷۶